

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

غدیر

فهرست

غدير	۹
ولایت چیست؟	۱۱
زیر بنای ولایت	۱۷
ضرورت ولایت	۲۳
هدف ولایت	۲۵
گام‌های رسول	۲۷
الف - نص	۲۷
ب - زمینه سازی	۲۸
ج - نوشته و کتاب	۲۹
د - نشانه‌ها و علامت‌ها	۲۹

صفایى حائرى، على، ۱۳۳۰ - ۱۳۷۸

غدير / على صفایى حائرى (عين - صاد). - قم: ليلة القدر، ۱۳۸۳.

۳۶ ص.

ISBN 964 - 93098 - 8 - 8

۳۵۰۰ ریال.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

۱. غدير خم. ۲. على بن ابى طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - اثبات

خلافت.

الف. عنوان.

۴ غ ۷۷ ص / ۵ / ۲۲۳ / ۴۵۲ BP ۲۹۷

کتابخانه ملی ایران

۸۱ - ۸۰۷ م



انتشارات ليلة القدر

غدير

على صفایى حائرى (عين - صاد)

انتشارات ليلة القدر ۷۷۱۲۳۲۸ - ۷۷۱۲۳۲۸ - ۲۵۱

تاریخ نشر: ۱۳۸۵

نوبت چاپ: پنجم

چاپ: سرور

تیراژ: ۱۰۰۰۰

قیمت: ۳۵۰ تومان

شابک: ۸ - ۸ - ۹۳۰۹۸ - ۹۶۴

WWW.EINSAD.COM پایگاه اینترنتی:

INFO@EINSAD.COM پست الکترونیکی:

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۱۵۳۶۸۱۹ / نمابر: ۷۷۱۷۳۷۸ - ۰۲۵۱

﴿کلیه حقوق این اثر متعلق به ناشر است﴾

روز غدیر، روز نور، روز سرور، روز سرشاری و اکمال، روز باروری و اتمام، روز رهبری و ولایت است.^۱

و غدیر، خود برکه‌ی نور و عشق است، دریای شور و جوشش، آن هم در کویر کور و ریگزار مرگ.

و **غـدیری**، تشنه‌ی مشتاقی است، که سال‌ها در کویر گردیده و ریگزارها را به صدا در آورده و مرگ را در کوله بار خود بسته تا به زندگی برسد و به زندگی برساند.

و **غدیری**، مهاجر تنهایی است که بالاتر از رفاه می‌خواهد و بیشتر از آزادی و عدالت.

در این روز، و در این **غدیر گسترده**، این مهاجر تشنه می‌تواند سیراب شود و این بالاتر و بیشترها را بدست بیاورد؛

۱ - اقبال سیدبن طاووس، ص ۴۶۲، خطبه‌ی امام امیرالمؤمنین (ع).

از دست پیامبر ﷺ
و با جام ولای علیؑ.

غدیر

داستان غدیر و تاریخ غدیر، از عظمت غدیر و ضرورت ولایت و ریشه‌ای بودن این مسأله خبر می‌دهد.

رسول در آن هنگام و در زیر آن آفتاب سوزان، آن همه جمعیت را برای چه نگه می‌دارد و چه پیامی برای آنها دارد؟

باید این پیام اساسی‌ترین پیام او باشد و بزرگترین ستون دین او، چون او برای هیچ یک از پایه‌های دین خود، این گونه دعوت نکرد و این گونه مردم را گرد نیآورد.^۱

باید این مسأله را تحلیل کرد و توضیح داد که:

۱- ولایت چیست؟

۲- چه زیربناهای پایه‌هایی دارد؟

۱ - بُنَى الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزُّكُوتِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا تُؤَدَّى بِالْوَلَايَةِ. وسائل الشيعة، ج ۱، باب اول رواية ۱.

۳- و چه ضرورتی؟

۴- هدف این ولایت و رهبری چیست؟

۵- رسول برای این ولایت و رهبری چه گام‌هایی برداشته؟

باشد در این تحلیل، عمق پیام رسول، که شیعه را پیداداشت و تاریخ او را به خون کشید، لمس شود و احساس شود تا آنها که در راهند، بیشتر بتازند و آنها که سنگ راهند، به خود آیند، مباد که نردبان دزد باشند و صندوق نسوز استعمار، که مؤمن کودن، صندوق نسوز کافر زرنگ است.

۱

ولایت چیست؟

این ولایت، بالاتر از محبت و دوستی و عشق است؛ که عشق علی در دل دشمنان او هم خانه داشت. آنها که شکوه و وقار کوه و زیبایی دشت و عظمت کویر و دریا و جلوه‌ی طلوع و غروب، اسیرشان می‌کند و چشمشان را می‌گیرد و دلشان را به بند می‌کشد، چگونه می‌شود شکوه و عظمت آن روح بزرگتر از کوه، زیبایی و گستردگی آن قلب وسیع‌تر از هستی و عظمت و ناپیدایی آن سینه‌ی ناپیداتر از کویر و عمیق‌تر از دریا و جلوه‌ی آن طلوع بی غروب، چشم و دل و عشق و احساسشان را پر نکند. هر کس با هر مشربی و عقیده‌ای، می‌تواند دوستدار علی باشد.

در علی، علم و عشق،

تدبیر و شمشیر،

حریت و عبودیت،

نجوای دل و آتش سخن،

زمزمه‌ی شب و فریاد روز،

قدرت و عزت و تواضع و ذلت،^۱

نرمش و آشنایی و خشونت و پایداری، در علی این همه هست و این

همه بخاطر حق است و برای اوست و این است که همه‌ی او دوست

داشتنی است و حتی دشمنش در دل شیفته‌ی اوست و مخالفش در پنهان

شیدای او.

ولایت علی، نه علی را دوست داشتن که فقط علی را دوست داشتن

است.^۲

ولایت علی، علی را سرپرست گرفتن و از هواها و حرف‌ها و جلوه‌ها

بریدن است. و این ولایت، ادامه‌ی ولایت حق است و دنباله‌ی توحید،^۳ آن

هم توحیدی در سه بعد؛ در درون و در هستی و در جامعه؛ که توحید در

درون انسان، هواها و حرف‌ها و جلوه‌ها را می‌شکند؛ هواهای دل و

حرف‌های خلق و جلوه‌های دنیا را.

و در جامعه طاغوت‌ها را کنار می‌ریزد

و در هستی خدایان و بت‌ها را.

۱ - أذلةً على المؤمنين أعره على الكافرين. مائده، ۵۴.

۲ - ... لا أبتغي بكم بدلاً ولا أأخذ من دُونِك ولياً - مفاتيح الجنان، زیارت امام زمان (عج).

۳ - كَلِمَةٌ لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ حِصْنِي و ولایت علی بن ابیطالب حصنی، این هر دو، حصن و پاسدار انسان هستند و جلوگیری از ضایع شدن‌ها و از دست رفتن‌ها. ولایت ادامه‌ی توحید است و خود توحید.

در این حد، موحد، جز خدا کسی را حاکم نمی‌گیرد. جز وظیفه چیزی

او را حرکت نمی‌دهد. هیچ قدرت و ثروت و جلوه‌ای در روح او موجی

نمی‌آورد و هیچ دستوری او را از جا نمی‌کند. جز دستور حق و امرِ الله، از

هر زبانی که این دستور برخیزد و از هر راهی که این امر برسد.

و هنگامی که روحی به آزادی رسید و جز امر حق امری نداشت و جز

خواست او خواهشی نداشت، این روح به ولایت می‌رسد و به سرپرستی

می‌رسد و دستور او و حتی نگاه او در دل‌های موحد عاشق، حرکت

می‌آفریند.

و این است که رسول به ولایت رسید و به اولویت رسید؛ که النَّبِيُّ أَوْلَىٰ

بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ.^۱

و این است که علی به ولایت می‌رسد؛ که: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ

مَوْلَاهُ.^۲ این هم پس از آن جمله‌ی استفهامی و اقراری أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ

أَنْفُسِكُمْ؟ و این است که پیشوایان دیگر به ولایت می‌رسند؛ که به عصمت و

آزادی و آگاهی رسیده بودند. اذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً.^۳ و این

معنای ولایت است.

ولایت یعنی تنها علی را حاکم گرفتن و تنها او را دوست داشتن و این

ولایت و سرپرستی است که معاویه و احمد حنبل و جرج جرداق و و از

آن بهره‌ای ندارند، که حاکم در درون آنها و محرک در وجود آنها امر علی و

۱ - احزاب، ۶. ۲ - کافی، ج ۱، ص ۲۹۴، ح ۳.

۳ - اشاره به آیه ۳۳ از سوره‌ی احزاب.

دستور علی نیست؛ که هواها و حرف‌ها و جلوه‌ها در آنها حکومت دارند. معاویه گر چه علی را دوست دارد، ولی سلطنت را بیشتر از علی خواهان است و دوستدار آن است.

و احمد حنبل گر چه برای علی شعر می‌سراید اما حکومت دیگری را به عهده دارد.

و جرج جرداق گر چه از علی می‌نویسد، اما برای علی نمی‌نویسد؛ که محرکی دیگر دارد و عاطفه‌ای فقط او را به چرخ انداخته است.

اما مالک؟

این مالک است که ولایت علی را به عهده دارد و این بارگران را به آسانی می‌کشد.

مالک چند سال برای نابودی معاویه رنج کشیده و کوشش کرده است. خویش و فامیل و قبیله‌اش را به خون کشیده، شب‌ها و روزها را بر روی لبه‌ی تیغ و سر نیزه‌ها گذرانده و شمشیر زده و شمشیر زده تا این که لشگر شام را عقب رانده و معاویه را به حرکت وادار کرده و در بیرون از خیمه آماده‌ی فرار نموده، هان چیزی نمانده تا این بت بزرگ بشکند و این طاغوت سرکش بمیرد و یا فراری شود و مالک به هدف نهایی، به پیروزی محبوب دست بیابد و در میان قومش و در میان تمام مردم به بزرگی معرفی شود و بر رقیب خودش، اشعث و بر قبیله‌ی رقیبش، کنده، پیروز شود.

درست در این هنگام، در این هنگام، علی او را میخواند، علی او را

می‌طلبد. علی می‌گوید که برگرد.

و این از مرگ سخت‌تر و این از مرگ جانکاه‌تر است.

مخالفت یک هوی، مخالفت یک هوس، مخالفت با یک حرف و گذشتن از حرف‌های خلق، مخالفت با یک جلوه از جلوه‌های دنیا ما را می‌شکند، ما را از پای در می‌آورد. ما از راه حق با یک حرف با یک فحش با یک پیشیز باز می‌گردیم و اما مالک؟ و اما مالک؟

او از تمام هواهای چند ساله و تمام حرف‌های تمام مردها و زن‌های عرب و از زمزمه‌ی خفیف زبان‌ها بر سر راه مردان فاتح و از نگاه‌های شیفته‌ی سرداران پیروز و از تمام جلوه‌های دنیا، از این همه می‌گذرد و باز می‌گردد و به علی این سرپرست آگاه ملحق می‌شود. چرا؟ چون در درون مالک، دیگر هواها و غریزه‌ها حرف‌ها و زمزمه‌های زن‌های عرب جلوه‌های پررنگ و برق دنیا حاکم نیست، اینها کوچکتر از این هستند که در روح بزرگ مالک موجی و حرکتی ایجاد کنند.

این بادهای بی رمق بیچارتر از این است که در این دریای بزرگ، طوفانی بپا کند: مالک از هواها از حرف‌ها از جلوه‌های دنیا بزرگتر است و عظمت او اسیر این حقارت‌ها نیست. او در سطح غریزه نیست. او انسانی است که در حد وظیفه زندگی می‌کند و زندگی و مرگ او با این معیار میخواند، او کوه است از طوفان نمی‌لرزد. او کاه نیست تا با نسیمی از دهنی زیر و رو شود.

او به ولایت رسیده و از نعمت ولایت برخوردار است. نشستن و ایستادن و آمدن و رفتن و دوست داشتن و دشمن داشتن او همه از سمت ولیّ کنترل می‌شود؛ نه از طرف هواها و حرف‌ها و جلوه‌ها. مالک این را یافته که علی این مرد آزاد از غیر حق و این انسان آگاه حق، بیش از مالک به مالک علاقه دارد و بیش از مالک از مصالح و منافع مالک آگاهی دارد و بیشتر از مالک به منافع او می‌اندیشد و بهتر به منافع او می‌اندیشد؛ پس دیگر جای درنگ نیست و جای سرکشی نیست؛ که سرکشی‌ها حماقت‌های زیان‌آوری بیش نیستند. جای تسلیم است و اطاعت و پیروی و تشیع و دنباله روی.

۲

زیر بنای ولایت

و زیر بنا و سرّ آن همه فداکاری و جانبازی شیعه در طول تاریخ همین شناخت و همین یافت برهانی و عینی است.

۱- او می‌داند که ولی بیش از او به او علاقه دارد.

۲- و بیش از او به منافع او آگاهی دارد، لذا امر او را هر چه باشد می‌پذیرد و دستور او را هر چه باشد گردن می‌نهد و حتی به میان آتش می‌نشیند و به استقبال مرگ می‌رود. مگر نه این است که می‌میریم؟ پس بگذار مرگی را انتخاب کنیم که زندگی‌هایی را بارور کند و بهره‌هایی بیاورد. مگر نه این است که ما از کسی چیزی اطاعت می‌کنیم، پس بگذار اطاعت از آگاه دلسوز و مهربان باشد.

شناخت آگاهی و دلسوزی، اطاعت را، تسلیم را بدنبال می‌کشید و مالک می‌دانست که ولی بیش از خود او، او را دوست دارد. علاقه‌ی من به خودم، علاقه‌ی مالک به خودش، یک علاقه‌غریزی است و علاقه‌ی علی، علاقه‌ای از روی وظیفه است. مالک خودش را برای خودش می‌خواهد و

علی مالک را برای خدا می‌خواهد. و تفاوت علاقه‌ها به همان اندازه است که انگیزه‌ی علاقه‌ها با هم تفاوت دارند.

و آنها می‌دانستند و مالک می‌دانست که ولیّ بیش از او به منافع او آگاهی دارد. آخر دید ما محدود است، خیلی که ببیند بیش از این گذرگاه هستی؛ این محدوده‌ی هفتاد ساله و این فرصت از زمان را نمی‌بیند؛ از قانون‌ها از عوامل حاکم بر تمام هستی آگاهی ندارد و چه بسا که آنچه در این محدوده و در این هفتاد سال مفید باشد در مجموعه‌ی حیات‌ها و زندگانی‌های ما جز ضرر چیزی نداشته باشد.

ضرر یا نفع یک پدیده را به یک روز و دو روز آن کشف نمی‌کنند. چه بسا یک دارو یک غذا یک سیگار که امروز در من شور و حال و خوشی هم بیاورد اما در مجموعه‌ی عمر من به ضرر و زیان بینجامد.

انسان پس از گسترش دانش‌هایش اگر چیزی را بدست بیاورد و چیزی را کشف کند، همانهایی است که تجربه‌اش کرده و با آن روبرو بوده است و چه بسیار عوالمی که هنوز به آن نرسیده‌ایم و تجربه‌اش نکرده‌ایم و چه بسیار مراحلی که هنوز از آن بی‌خبریم و غافلیم.

و بخاطر این محدودیت در دید و این وسعت در دیدگاه هستی است که انسان، به سوی خدا می‌شتابد و از او می‌پرسد و از او می‌پذیرد. او که به تمام هستی آگاه است؛ از تمام نفع‌ها و ضررها و از تمام اثرها؛ اثر یک غذا بر تمام سلول‌ها، آن هم نه در یک سال و دو سال و هفتاد سال و در این محدوده‌ی هستی و در این عالم؛ که در تمام طول راه، تا بینهایت.

انسان هنگامی که تمام راه را رفت، آنگاه می‌یابد که اثر یک نگاه، اثر

یک خیال، اثر یک تصمیم، بر تمام هستی و بر تمام عوالم تا چه اندازه بوده است و آنگاه می‌یابد که چقدر بر اثر بی‌توجهی و سرکشی ضرر کرده و زیان دیده است و آن روز بانگ برمی‌دارد و ناله می‌کند که: یا حَسْرَتَا عَلٰی مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاجِرِينَ.^۱

اما امروز خیلی هم که دوربین به دست بگیرد و از وسایل علمیش کمک بستاند بیش از این محوطه، بیش از این عالم را نمی‌بیند و نمی‌یابد و تجربه نمی‌کند. از این رو از آنچه از عوالم بعد می‌گذرد و از آنچه یک نگاه و یک لبخند و یک غذا و یک مشروب بدنبال می‌آورد نه در این محدوده بلکه در آن وسعت و در آن مرحله بیگانه است.

این پیدا است که ناچار با وحی آشنا می‌شود و از خدا مدد می‌گیرد. و خدا روح‌هایی را از پلیدی جدا کرده و به عصمت رسانده و او دل‌هایی را با نور^۲ و با فرقان،^۳ همراه نموده و او برای آنها از تمام هستی حکایت کرده و بر طبق قانون‌هایی که بر تمام هستی، در تمام راه انسان حاکم هستند، قانون‌هایی گذاشته و دستورهایی داده و به آنها سپرده است. و مالک که این همه راه یافته، سرسپرده‌ی روح معصوم آگاه مهربان می‌شود و ولایت او را به عهده می‌گیرد. و این ولایت و سرسپردگی است که بر اساس این همه شناخت و برهان و منطق استوار است. و این ولایت است که ادامه‌ی توحید است و این ولایت است که آن همه فداکاری و از خود گذشتگی و تسلیم را به دنبال می‌آورد. و براساس این ولایت است که مالک طرز

۱ - زمر، ۵۶.

۲ - یَجْعَلُ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ، حدید، ۲۸. کافی ج ۱، باب الحجّه، ح ۳.

۳ - يَجْعَلُ لَكُمْ فُرْقَانًا. انفال، ۲۹.

خوابیدن و بیدار شدن و خوردن و آشامیدن و رفتن و آمدن و نگاه کردن و نشستن و ایستادن و مسافرت کردن و معاشرت کردن و و تمام رفتار و گفتار و پندار خود را از ولی می‌پرسد و از او می‌گیرد. و همان طور که من وقتی می‌یابم که فلان مکانیک آگاهی و دلسوزی دارد، تمام اجزاء ماشین را تحت اختیار او می‌گذارم و تمام مسایل را از او می‌پرسم و از او می‌گیرم. آنها که ولایت را قبول کردند، آنهايي هستند که یافتند ماشین پیچیده‌ی وجود آنها را امام و ولی بهتر از خود آنها رهبری می‌کند و در این راه شلوغ هستی که اعمال و افکار انسان غوغایی بپا کرده، او بهتر انسان را به مقصد می‌رساند و نجات می‌دهد.

و توضیح این ولایت و سرسپردگی در همین آگاهی نهفته است. وجود ما، جسم ما، جان ما، برای خداست و از او است. هر کس که اینها را بهتر به کار بگیرد، در اینها حق تصرف دارد. و همین است که رسول خدا و پیشوایان اولویت دارند. به تصرف در هستی ما، سزاوارتر از ما هستند. و همین است که پدر بر فرزند و بر اموال فرزند ولایت دارد و حق تصرف دارد.

و در این هنگام و پس از آن همه توضیح می‌توانم بگویم که چرا ولایت بزرگترین نعمت‌هاست و بالاترین نعمت‌هاست و به تعبیر قرآن متمم نعمت‌هاست؛^۱ چون این مقام ولایت است که تمام نعمت‌ها را به کار می‌گیرد و به جریان می‌اندازد و این مقام ولایت است که تمام استعدادها را شکفته می‌کند و بارور می‌نماید، درست مثل اینکه من یک کارخانه‌ی

۱ - الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا. مائده، ۳.

بزرگ و وسیع را دارا باشم اما از طرز کار و طرز بهره‌برداری از آن بی‌خبر باشم. این کارخانه که می‌تواند در روز، بی‌نهایت به من سود برساند، بر اثر نبود آگاهی و جهالت من، یک بار سنگین می‌شود که به مرور زمان مرا از پای در می‌آورد و خودش هم می‌پوسد و هدر می‌شود. یک مهندس آگاه و مهربان متمم این کارخانه‌ی وسیع و عظیم است. بدون او این همه نعمت، این همه استعداد، راکد می‌ماند و حتی به هدر می‌رود و ضایع می‌گردد. ولایت او و سرپرستی او است که نعمت‌های نهفته و سودهای پیچیده در کارخانه را آشکار می‌کند و به جریان می‌اندازد. و این ولایت متمم آن همه سرمایه و آن همه نعمت است.

و این مقام ولایت است که از دل آن عرب‌های خون‌ریز تهدیست، از دل آن مردان محدود گرفتار، روح‌هایی را بیرون کشید که تمام هستی را در یک گام طی کردند و حتی به بهشت قناعت نورزیدند.

این مقام ولایت است که از ابوذر که برای هیچ زنده بود و برای هیچ می‌مرد، ابوذری بیرون کشید که برای حق زنده بود و برای او می‌مرد و حتی تنها می‌مرد.

و این مقام ولایت است که از بلال، بلالی که تا دیروز افتخارش به اربابش بود، بلالی آفرید که رویا روی اربابش می‌ایستاد و او را پست و حقیر و محدود می‌دید و به راهنمایش همّت بسته بود و برای مبارزه‌اش آماده گشته بود.

و این مقام ولایت است که از سلمان، این کویر تشنه و این مسافر پایدار، دریایی ساخت، دریایی از عظمت و آگاهی و عشق.

و این مقام ولایت است که استعدادهای بشر را بیرون ریخت و خلق کریمه و استعدادهای خوب او را شکوفا کرد^۱ و از بشر، انسان بیرون کشید و او را از ظلمات نفس، از ظلمت خلق دنیا، از هواها و حرفها و جلوه‌های پوچ، به سوی نور هستی هدایت کرد.^۲ انسانی که دیگر در سطح غریزه و حرفها و محدودها زندگی نمی‌کرد و با این معیارهای کم و کوتاه اندازه نمی‌گرفت.

و انسان یعنی همین، یعنی در سطح وظیفه زندگی کردن، چون این حیوان است که تمام مسایلش با غرائزش حل و فصل می‌شود، حتی امنیت و رفاه و نظم و عدالت را با غریزه تأمین می‌کند.

آن نظم و رفاه و عدالتی که در کندو حاکم است هنوز در جامعه‌ی انسانی در شکل‌های مختلف کمونیستی و سرمایه داریش، حکومت نکرده و نمی‌کند، مگر هنگامی که بشر از اسارت‌ها از ظلمات از هواها و حرفها و جلوه‌ها آزاد شود و به عظمتی دست یابد که این حقارت‌ها او را در خود نگیرند. و مگر هنگامی که بشر انسان شود.

و در این حد، عدالت که هیچ، حتی انفاق و ایثار هم، رخ می‌نماید و آشکار می‌شود.

و این است که، آنهایی که بیشتر از رفاه و بالاتر از عدالت و آزادی را می‌خواهند، باید به غدیر رو بیاورند و از این جام سیراب شوند.

۳

ضرورت ولایت

هر جامعه همانند یک اندام، به مغز، به قلب، به خون - ثار^۱ - نیازمند است. مغزی که تمام راه را بیابد و قلبی که از عشق سرشار باشد و خونی که خون خدا باشد و پاک از هرگونه اعتیاد و خالی از هرگونه مرض و آزاد از هرگونه جرثومه‌ی فساد.

و انسان محتاج نمونه و رهبر و حجتی است که امین^۲ باشد و به او خیانت نکند و نور^۳ باشد و راه او را روشن کند.

انسان به روشنفکری و روشن دلی، به عشق و شناخت، به حجت، به نور، به امین، نیازمند است. و ولایت، عهده‌دار این نیازهای عمیق و عظیم انسان است، آن هم انسانی که می‌داند، نیازش بالاتر از رفاه و بالاتر از

۱ - یا تَارَ اللّٰهِ و این تاره. زیارت عاشورا. قاموس الغه: التار، الدم و الطلب به.

۲ - السَّلَامُ عَلَیْكَ یا أَمِینَ اللّٰهِ فی أَرْضِهِ وَ حُجَّتَهُ عَلٰی عِبَادِهِ. مغتایح، زیارت امین اللّٰه.

۳ - السَّلَامُ عَلَیْكَ یا نُورَ اللّٰهِ فی ظُلُمَاتِ الارض. زیارت حضرت رضا (علیه السلام).

۱ - بعثت لا تمم مکارم الاخلاق. بحار، ج ۶۷، ص ۳۷۲.

۲ - اللّٰهُ وَاٰلِیُّ اَٰلِیْمِیْنَ اٰمَنُوْا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ الِی النُّوْرِ. بقره، ۲۵۷. اللّٰهُ نُورُ السَّمٰوٰتِ وَ الارض. نور،

۳۵.

حریت و آزادی و بیشتر از عدالت است.

هنگامی که انسان خود را بیشتر از یک دهان نمی‌بیند که با یک مشت روده‌گره خورده و به آلت تناسلیش ختم می‌شود. این دهان دراز، دیگر نه دین می‌خواهد و نه امام و نه رهبری و ولایت؛ که غریزه برای این و بالاتر از اینها کافی است.

اما انسانی که می‌خواهد انسان باشد و جامعه‌ای انسانی تشکیل دهد، نه یک دامپروری بزرگ و یک کندوی عادل، این انسان ضرورت این شناخت و عشق و این مغز و قلب و خون و این حجت و نور و امام و امین را می‌یابد و به سوی او می‌شتابد و او را بر خویشتن مقدم می‌دارد؛ که او از او به او آگاه‌تر و مهربان‌تر و نزدیک‌تر است.

۴

هدف ولایت

این رهبری و سرپرستی بالاتر از امنیت و پاسداری و بالاتر از رفاه و پرستاری، هدف دارد.

این رهبری در زمینه‌ی آزادی^۱ و با هدف آموزگاری و شکوفا کردن استعدادهای انسان و با هدف تشکیل جامعه انسانی براساس قسط همراه است که علی می‌گفت: لَيْسَ أَمْرِي وَأَمْرُكُمْ وَاحِدًا إِنِّي أُرِيدُكُمْ لِلَّهِ وَأَنْتُمْ تُرِيدُونَنِي لِأَنْفُسِكُمْ.^۲

هدف من و شما یکی نیست. من شما را نه برای خودم و نه برای

۱ - علی میکرب‌ها را بر نمی‌دارد که مزاج‌ها را و اکسینه می‌کند تا خود با میکرب‌ها درگیر شوند. و این رهبری سنگین‌ترین رهبری هاست. علی می‌گفت: توده‌ها هنگامی که شب ستم را پشت سر می‌گذاشتند در صبح آزادی باز از ستم رهبر می‌هراسیدند، اما من هنگامی که به صبح حکومت رسیدم باز از ستم توده‌ام وحشت دارم. لَقَدْ أَطْبَحَتِ الْأُمَّمُ تَخَافُ ظُلْمَ رُعَاتِهَا وَ أَصْبَحَتْ أَخَافُ ظُلْمَ رَعِيَّتِي. نهج البلاغه‌ی صبحی صالح، خ ۹۷.

۲ - نهج البلاغه‌ی صبحی صالح، خ ۱۳۶.

خودتان، که برای حق می‌خواهم، در حالی که شما مرا به خاطر خویشتن و منافع خود خواستارید. شما می‌بینید من مثل عثمان نیستم که شما را بچاپم، به این خاطر به من روی آوردید، اما من شما را نه برای خودم می‌خواهم و نه برای رفاه خودتان، که برای حق می‌خواهم.

این کافی نیست که انسان‌های مرفهی بسازیم، بلکه باید برای آنها جهتی و راهی را در نظر بگیریم که آنها پس از رفاه و تکامل استعدادها در آن راه بیفتند و آن جهت را انتخاب کنند.

۵

گام‌های رسول

رسول برای این رهبری و این ولایت با آن ضرورت و با این هدف گام‌های بلندی برداشت و تا امروز راه ما را روشن نمود.

الف - نص

او از روزهای اول دعوت تا واپسین لحظه‌های حیات، همیشه علی را نشان می‌داد و سفارش می‌کرد که بر او جلو نیفتید که گمراه می‌شوید و از او کنار نکشید که از دست می‌روید.

احادیث غدیر و ثقلین و منزلت و و در کتاب‌ها جمعند.

اما بعدها دیگران به خاطر اینکه کفر صحابه و ارتداد آنها پیش نیاید نصوص را رد کردند و یا تأویل نمودند و در نتیجه به آنچه در نوشته‌های خود جمع کرده بودند بی‌اعتنا ماندند و حتی چشم عقل خویش را بستند.

و هدف حکومتی اسلام را نادیده گرفتند و حکومت اسلامی را تا حد استعمار و چپاولگری و فتوحات و غنائم پایین آوردند و عاقبت گرفتار بدعت و اشرافیت و تبعیض و درگیری و تجزیه نمودند.

از هنگامی که اسلام از مسیر ولایت بیرون آمد، از همان هنگام غروب کرده بود، گرچه واپسین شعاع‌های طلایی آن تا هزار و سیصد سال بعد ادامه داشت. اما این شعاع‌ها دیگر حرارت و زایش و نوری نداشت، سرد و تاریک و غمرنگ بود. از مرگ، از غروب خبر می‌داد.

ب- زمینه سازی

رسول که سرسختی دنیاطلب‌ها و سلطنت خواهان را می‌دید برای اینکه مدینه برای علی خالی بماند و زمینه برای او فراهم شود، تمامی آنها را تحت سرپرستی جوانی هجده ساله روانه‌ی سرزمین‌های دور کرد و بر هر کس که تخلف کند نفرین فرستاد، اما آنها که هدف را فهمیده بودند، به بهانه‌ی این که چگونه محمد را رها کنیم و چگونه او را در بستر مرگ بگذاریم و خبرش را از کاروان‌ها بگیریم، از مدینه نرفتند و ماندند و نفرین رسول را بر خود خریدند و جامعه‌ی اسلامی را به بن بست کشاندند و کردند آنچه کردند.

ج- نوشته و کتاب

در نتیجه، رسول به خاطر این که کار را یک سره کند و ابهامی باقی نگذارد، در آخرین لحظه که همه جمع شده بودند، قلم و کتفی را طلب کرد تا آنها گمراه نشوند، اما آنها به قرآن قناعت کردند و با رسول مخالفت نمودند.

و رسول که پافشاری آنها و مخالفتشان را دید، دیگر جهتی برای نوشتن نداشت. کسانی که روبروی رسول گفته‌ی او را نمی‌پذیرند، پس از مرگ با این نوشته‌ها چه خواهند کرد؟

د- نشانه‌ها و علامت‌ها

رسول که تنهایی خویش و تنهایی علی و تنهایی و بی‌پناهی مردم تبلیغات زده و اقلیت محکوم را می‌دید، نمی‌توانست آنها را رها کند و آنها را به خود واگذارد.

این دریای مهر و محبت و این برج پاسداری و آگاهی و این دیدبان بیگانه از خواب و این رهبر زنده، حتی با مرگ، هیچگاه اینها را، این توده‌ی تنها را در کنار آوازه‌گرها و در دست گرگ‌ها رها نمی‌کند، اینها هر چند از نوشتن و کتابت او جلوگیری کنند، از نشانه‌ها و علامت‌هایش نمی‌توانند جلوگیری باشند.

و این است که رسول آگاه و بیدار، علی را در تمام دوره‌ها یاری

می‌دهد و توده‌ی بی‌پناه را با علامت‌ها به خویش، به علی و به حق، می‌خواند و از دیگران می‌ماند.

این علامت‌ها، انسان‌های گویا، فاطمه، ابوذر، عمار و همراهی قرآن روشن‌نگر است.

فاطمه، در دوره‌ی ابوبکر و عمر،

ابوذر، در زمان عثمان،

عمار، در برابر معاویه،

و همراهی قرآن تا امروز.

رسول بارها گفته بود فاطمه از من است و کسانی که او را به خشم بیاورند مرا و خداوند را به خشم آورده‌اند.^۱

و فاطمه بر آنها خشمناک بود و حتی گویی او گواه این خشم است.

و رسول گفته بود، آسمان بر راستگوتر از ابوذر سایه نینداخته است.

و این زبان قاطع و صادق رویاروی عثمان بود.

و رسول گفته بود که عمار را، گروه ستمگر می‌کشند.

و عمار در کنار علی بود و شمشیرش بر گلوی معاویه.^۲

۱ - کسانی روایت‌هایی ساختند که، رسول این جمله را در هنگامی گفته که علی، فاطمه را به خشم آورده بود و فکر ازدواج داشت. دشمن آرام نمی‌گیرد.

۲ - معاویه با مرگ عمار بدست و پا افتاد و حیل‌ها زد که عمار را علی کشته، چون او را به میدان آورده است. در اینجا بود که شاعران علی جواب‌ها دادند که اگر این باشد پس قاتل شهیدان جنگ‌های بدر و احد محمد است، نه دشمنان محمد. کشنده‌ی حمزه اوست، نه وحشی مهدور.

و رسول گفته بود که جانشینان من دوازده نفرند و گفته بود: من دو چیز را در میان شما می‌گذارم که مانع گمراهی و چراغ راه شما هستند. این دو، از هم جدا نخواهند شد تا این که در حوض بر من وارد شوند.

و امروز جز شیعه با این گفته همراه نیست؛ که دیگران امروزها در کنار این همه تجزیه و همراه این همه حاکم، خلیفه و حاکم و اولی الامری ندارند.

آنها قرآن و خلیفه را از هم جدا کردند، در حالی که رسول به همراهی آنها شهادت داده بود. همانطور که با زبان گویایش از یوم الانذار... و یا دست بلندش در غدیر... و با تقاضای قلم، در واپسین لحظه‌های زندگی و با فاطمه و ابوذر و عمار در دامن تاریخ، این رهبری، این ولایت، این سرپرستی را، گواهی داده بود و راه علی را به نور بسته بود.

دروود بر آنها که الله سرپرست و رسول چراغ و علی جلودارشان است.

دروود بر آنها که چنین راهی را، با سر رفته‌اند.

فهرست محصولات فرهنگی انتشارات لیلة القدر آثار مکتوب استاد علی صفایی حائری

روش‌ها:

۱. مسئولیت و سازندگی: روش تربیتی اسلام.
۲. انسان در دو فصل: روش تربیت اسلامی در دوره قبل و بعد از بلوغ.
۳. روش برداشت از قرآن: روش تفسیر قرآن.
۴. روش نقد (جلد اول): روش نقد هدف‌ها و مکتب‌ها.
۵. روش نقد (جلد دوم): روش نقد مکتب‌ها: آزادی.
۶. روش نقد (جلد سوم): روش نقد مکتب‌ها: آگاهی و عرفان.
۷. روش نقد (جلد چهارم): روش نقد مکتب‌ها: آرمان تکامل، مارکسیسم.
۸. روش نقد (جلد پنجم): روش نقد مکتب‌ها: آرمان تکامل، اگزیستانسیالیسم.
۹. روش برداشت از نهج البلاغه: ضرورت آشنایی با نهج البلاغه، روش برداشت از سنت.
۱۰. تربیت کودک: نقش معلم، روش تربیت، عوامل تربیت.
۱۱. خط انتقال معارف: روش تبلیغ و انتقال معارف بین نسل‌ها.

اعتقادی کلامی:

۱۲. نامه‌های بلوغ: پنج نامه تربیتی، عرفانی، اخلاقی با توجه به بحران‌های انتخاب و معیارها.
۱۳. حرکت: ضرورت و جهت حرکت با توجه به شناخت انسان و قدر و اندازه و نیازهایش.
۱۴. اندیشه من: تحلیل و بررسی سه مذهب عاطفی، سنتی و اصیل.
۱۵. حیات برتر: معاد از منظر قرآن.
۱۶. نقدی بر هرمنوتیک: نقدی بر کتاب‌های (فلسفه دین) نوشته هاسپرز و (خدا در فلسفه) ترجمه خرماشاهی و (کتاب و سنت) نوشته مجتهد شبستری.
۱۷. از وحدت تا جدایی: درآمدی بر نقد آرا و اندیشه‌های دکتر عبدالکریم سروش.

دیداری تازه با قرآن:

۱۸. رشد: تحلیلی از رشد و خسر انسان‌ها (نگرشی بر سوره عصر).
۱۹. صراط: سیر و سلوک، راه‌ها و... (نگرشی بر سوره حمد).

تفسیر قرآن:

۲۰. تطهیر با جاری قرآن (جلد اول): تفسیر سوره‌های فلق، ناس، توحید، تبت و...
۲۱. تطهیر با جاری قرآن (جلد دوم): تفسیر سوره بقره.
۲۲. تطهیر با جاری قرآن (جلد سوم): تفسیر سوره‌های مدثر، قدر، علق و...
۲۳. تفسیر سوره قدر: شناخت قدر آدمی، طرح و برنامه‌ریزی با توجه به نعمت‌ها و...
۲۴. تفسیر سوره توحید: طرح و تنظیم و تحلیل سؤال در رابطه با شناخت خدا، بررسی راه‌های قرآن و راه‌های دیگر.
۲۵. تفسیر سوره کوثر: نسبت موقعیت و موضع‌گیری، موفقیت و پیروزی.

امامت و ولایت:

۲۶. غدیر: تبیین و تحلیل ولایت و ضرورت و هدف آن و گام‌های رسول (ص).
۲۷. تو می‌آیی: حقیقت، ریشه‌ها، ادب و اثر انتظار، جایگاه امامت و ضرورت امام و...

نهج البلاغه:

۲۸. حکمت: توضیح کلام علی (ع) در شناخت قدر انسان (خطبه ۱۶ نهج البلاغه).
۲۹. روزگار ستمگر: شرح خطبه ۳۲ نهج البلاغه.

عاشورا:

۳۰. عاشورا: بررسی تحلیل‌های مختلف در زمینه حرکت امام حسین (ع).
۳۱. وارثان عاشورا: اضطرار به حجت، حق و شبهه، احیای امر، وارثان عاشورا و...
۳۲. چهل حدیث از امام حسین (ع): ترجمه و تفسیر چهل حدیث از اباعبدالله (ع).
۳۳. مروی بر زیارت عاشورا: بررسی ارتباط فرازهای زیارت عاشورا.
۳۴. ذکر مصیبت ثارالله: جایگاه مصیبت و بیان مصائب امام حسین (ع).

اجتماعی:

۳۵. بررسی: بررسی آزادی، انقلاب، برده‌داری و...

۳۶. نگاهی به تاریخ معاصر ایران: نقد موفقیت و عدم موفقیت دولت‌ها در ایران از قاجار تا پهلوی.

۳۷. پاسخ به پیام نهضت آزادی: نقد و بررسی موازین نهضت آزادی.

۳۸. روابط متکامل زن و مرد: مباحث ازدواج، تساوی زن و مرد، حجاب و آزادی.

حکومت دینی:

۳۹. از معرفت دینی تا حکومت دینی: سیر تشکیل حکومت دینی از خودآگاهی تا عبودیت تا جامعه و حکومت دینی.

۴۰. مشکلات حکومت دینی: در فرض انحراف و بدعت و در فرض حکومت معصوم (ع).

۴۱. اهداف حکومت دینی: بررسی اهداف حکومت‌های دینی و غیر دینی.

درس‌هایی از انقلاب:

۴۲. دفتر اول: انتظار: بینش بنیادی، راه انبیا، انتظار، مدیریت و تشکل.

۴۳. دفتر دوم: تقیه: مفهوم، اهداف، ابعاد، آثار، فقه، موارد، احکام.

۴۴. دفتر سوم: قیام: مفهوم، فضیلت، آثار، انواع، مبانی، اهداف، موانع.

اخلاق و سلوک:

۴۵. نظام اخلاقی اسلام: جایگاه نظام اخلاقی اسلام و تفاوت آن با نظام‌های اخلاقی دیگر.

۴۶. اخبات: آنچه انسان را به رحمت حق واصل می‌کند.

۴۷. فوز سالک: مبانی و مراحل و اهداف سلوک.

مسائل اسلامی:

۴۸. حقیقت حج: تحلیلی از مناسک حج.

۴۹. فقر و انفاق: دیدگاه اسلام نسبت به فقر و انفاق.

دعا:

۵۰. بشنو از نی: مروری بر دعای ابوحمزه ثمالی.

۵۱. روزهای فاطمه (س): شرح خطبه فدک حضرت زهرا (س) در مسجد مدینه.

۵۲. دعاهای روزانه حضرت زهرا (س): شرح دعاهای روزانه حضرت زهرا (س).

حوزه:

۵۳. استاد و درس (صرف و نحو): روش تدریس حوزوی.

۵۴. استاد و درس (ادبیات، هنر، نقد): جریان هنر در هنرمند و تاریخ، نظریه‌ها و...

۵۵. درآمدی بر علم اصول: به ضمیمه جایگاه فقه و شئون فقیه.

۵۶. روحانیت و حوزه: رکود فقه، مشکلات و راهکارها.

هنر و ادبیات:

۵۷. ذهنیت و زاویه دید: در نقد و نقد ادبیات داستانی: نقد رمان‌های سووشون،

کلیدر، رازهای سرزمین من و...

۵۸. با او نگاه فریاد می‌کردیم: مجموعه اشعار: و با او با نگاه فریاد می‌کردیم،

آرامش، تابوت و...

یادها و خاطره‌ها:

۵۹. یادنامه: زندگی نامه، وصیت نامه و فهرست توصیفی آثار مرحوم صفایی.

۶۰. آیه‌های سبز: داستان‌های تربیتی برگرفته از کتاب‌های استاد.

نرم افزارهای صوتی

۱. شناخت: روش شناخت هستی و انسان و روش نقد شناخت‌ها.
۲. حرکت: ضرورت و جهت حرکت با توجه به شناخت انسان و قدر و اندازه و نیازهایش.
۳. تعلیم و تربیت: سرمایه‌های انسان، تربیت انسان قبل و بعد از بلوغ، تولد و تولید...
۴. سیر و سلوک: فوز سالک، اخبات، عرفان.
۵. رشد و انحطاط: عوامل رشد و انحطاط و رکود و درمان آن در انسان.
۶. قرآن: روش برداشت از قرآن، تفسیر سوره‌های زمر، توحید و کوثر و...
۷. نهج البلاغه و روایات: شرح خطبه‌های امام علی (ع)، کیفیت مطرح کردن احادیث و...
۸. دعا و مناجات: شرح و تفسیر دعا‌های عرفه، کمیل، ابوحمره ثمالی، خمسة عشر و...
۹. تاریخ: روش تحقیق در تاریخ، فلسفه تاریخ، تاریخ اسلام و...
۱۰. مدیریت و سازماندهی: سازماندهی و تشکل و مدیریت اسلامی.
۱۱. اصول حاکم بر حرکت اباعبدالله (ع): روزگار ستمگر و زمانه ناسپاس و اصناف مردم (شرح خطبه ۳۲)، محرم و رمضان ۷۴ ه.ش.
۱۲. امام حسین (ع) و عاشورا: همراه با حسین (ع)، تصویری از شب عاشورا، زیارت عاشورا.
۱۳. ذکر مصیبت حسین (ع): روضه‌های شب‌های محرم.
۱۴. اضطرار به حجت: انتظار از حجت، انتظار برای حجت، بلا و تمحیص و... (محرم و رمضان ۱۳۷۳ ه.ش).
۱۵. احیای امر: ضرورت، مبانی، عوامل و آثار زنده کردن امر اهل بیت (محرم و رمضان ۱۳۷۷ ه.ش).
۱۶. ولایت و امامت: امامت، محبت ائمه اطهار، ولایت فقیه و...
۱۷. حکومت دینی: بررسی مبانی، طرح‌ها و شبهات حکومت دینی، آسیب‌شناسی و درمان (محرم و رمضان ۱۳۷۵ ه.ش).

۱۸. اهداف حکومت دینی: به انضمام بحث تبلیغ و خط انتقال معارف (محرم و رمضان ۱۳۷۶ ه.ش).

۱۹. مشکلات حکومت دینی: بررسی مشکلات حکومت دینی در فرض انحراف‌ها و شرح دعا‌های روزانه حضرت زهرا (س) و خطبه فدک، بیانات اباعبدالله (ع) از مدینه تا کربلا. (محرم ۱۳۸۷ ه.ش).

۲۰. نقد و بررسی: حجاب، فقر، انفاق، فرهنگ، مالکیت.

۲۱. درس و بحث: صرف، منطوق، اصول، و...

نرم افزارهای تصویری

۱. مبانی تفسیر: بررسی روش ترجمه، تفسیر، تأویل قرآن با توجه به روح و نور آن.
۲. روابط متکامل زن و مرد: ثبات در دین و ارتباط آن با زندگی زن و مرد.
۳. جمع‌ها و حاصل جمع‌ها: تجمع‌ها و آثار و آفات آنها.
۴. ضرورت بعثت: رسالت، زمینه، اهداف و روش کار رسول (ص).
۵. روزگار ستمگر و زمانه ناسپاس: شرح خطبه ۳۲ نهج البلاغه.
۶. انسان در دو فصل: روش تربیت اسلامی در دو دوره قبل و بعد از بلوغ. (سخنرانی در تالار وحدت، سال ۱۳۶۰).
۷. عمل، زمینه‌ها، انگیزه‌ها و آثار عمل: مروری بر خود، برنامه ریزی، زمینه‌ها و انگیزه‌ها.
۸. عمل، تمامیت عمل، استقامت: علل ناتمامی و ناکامی کارها، اتمام، استقامت و سلامت اعمال.
۹. عمل، آفات و موانع عمل: نقطه ضعف‌ها و آسیب‌ها، نظارت‌ها و بحران‌های عمل.
۱۰. مشکلات حکومت دینی: مشکلات حکومت دینی در فرض انحراف‌ها و بدعت‌ها از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه، شرح دعا‌های روزانه حضرت زهرا و شرح خطبه آن حضرت در مسجد مدینه، بیانات اباعبدالله (ع) در مسیر مدینه تا کربلا.
۱۱. عصر انتظار: سرّ احتیاج به خدا و اضطرار به حجت در نگاه انسان امروز.
۱۲. وداع صفایی: مراسم تشییع و تدفین استاد.

آثار دیگر نویسندگان

۱. علی و جاری حکمت (جلد ۱ و ۲): هرکدام دربرگیرنده شرحی بر چهل حکمت از نهج البلاغه، به قلم سید عبدالمجید فلسفیان.
۲. علی و استمرار انسان: شرحی بر نامه ۳۱ نهج البلاغه، به قلم سید عبدالمجید فلسفیان.
۳. انسان جاری: (حدیث رویش و بالندگی انسان)، به قلم سید مسعود پور سید آقایی.
۴. دین و نظام سازی: (در اندیشه استاد علی صفایی حائری)، به قلم سید مسعود پور سید آقایی.
۵. مشهور آسمان: مجموعه خاطراتی از زنده یاد علی صفایی، به کوشش عزیز الله حیدری.
۶. اندیشه‌های پنهان: (رویکرد سیستمی به حیات معنوی انسان)، به قلم علاءالدین اسکندری.
۷. رد پای نور: خاطراتی از زنده یاد علی صفایی، به روایت سید عبدالرضا هاشمی ارسنجانی.
۸. رندان بلاکش: مقایسه و تطبیق عرفان حافظ و علی صفایی حائری، به قلم سید مجید سلیمان پناه.
۹. علم و دین: جهت یابی علوم از وحی، به ضمیمه بحثی در رابطه با تجربه دینی. (متن دو سخنرانی دکتر رضا حاجی ابراهیم در سالگرد استاد صفایی).
۱۰. بینش‌های قرآنی: برداشت‌های استاد صفایی از قرآن، به قلم سید عبدالمجید فلسفیان.
۱۱. تا چشمه صاد: نگرشی بر مکتب تفسیری استاد صفایی، به قلم سید عبدالمجید فلسفیان.

نشانی پستی مؤسسه تحقیقاتی - فرهنگ‌ی لیلۃ القدر

قم: خیابان طالقانی (نرسیده به سه راه بازار) / کوچه ۸۷ / کوچه شهید

حبیبی (شماره ۱۳) / پلاک ۱۹ - صندوق پستی: ۳۸۴ - ۳۷۱۸۵

تلفن‌های مرکز پخش:

۰۲۵۱ - ۷۷۱۲۳۲۸

۰۹۱۲۷۴۶۱۰۲۲

نمابر: ۰۲۵۱ - ۷۷۱۷۳۷۸

WEBSITE: www.einsad.ir

EMAIL: info@einsad.ir

انتشارات لیلۃ القدر در سراسر کشور نماینده فعال می‌پذیرد